



اکنون که بیماری کرونا همه جهان و از جمله کشور ما را درگیر خود کرده، بسیاری از هنرمندان بیکارند و متأسفانه هیچ کس هم به مشکلات آنها رسیدگی نمی‌کند. هنرمندانی داریم که در این شرایط هیچ منبع درآمدی ندارند. جامعه‌ای که به فرهنگ و هنر خود بها ندهد خواه ناخواه مغلوب هنر و فرهنگ جوامع دیگر می‌شود

استان آذربایجان شرقی نه تنها در عرصه اقتصاد، سیاست، علم و مذهب بزرگان، عالمان و دانشمندان برجسته زیادی چون علامه جعفری، علامه طباطبائی، شهیدان باکری، استاد شهریار و ده‌ها شخصیت بزرگ ملی و بین‌المللی تربیت کرده و تحویل کشور و جهان داده بلکه در عرصه فرهنگ و هنر نیز حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. یکی از استادانی که به جرات می‌توان او را از جمله چهره‌های محبوب و دوست‌داشتنی عرصه هنر آذربایجان نامید کسی نیست جز هاشم چاوشی بازیگر، تهیه‌کننده، طنزپرداز، خواننده، شاعر و... هاشم چاوشی یکی از کم‌دین‌های معروف و با سابقه آذری زبان و ایرانی است که در نقش‌های زیادی در تئاتر، تلویزیون، رادیو و سینما به بازیگری و گویندگی پرداخته‌است و همه مردم آذربایجان و بعضی از فارسی‌زبانان این هنرمند خوش اخلاق کشورمان را می‌شناسند. قاب کوچک با این بازیگر پیشکسوت که هم اکنون به دلیل مشکلات قلبی و عمل قلب باز دوران نقاهت خود را سپری می‌کند، گفت‌وگویی ترتیب داده که می‌خوانید.

ورودتان به عرصه هنر چه زمانی اتفاق افتاد؟

من هاشم چاوشی هستم. اردیبهشت ۱۳۳۱ در محله شتریان تبریز به دنیا آمدم. از همان دوران بچگی به کارهای نمایشی علاقه زیادی داشتم. یادم هست قبل از این‌که وارد مدرسه شوم در زیرزمین منزلمان با بچه‌های محله جمع می‌شدیم و کارهای نمایشی بازی می‌کردیم.

بعد از ورود به مدرسه در گروه تئاتر عضو شدم و آنجا بازی می‌کردم. این روند همین‌طور ادامه داشت تا این‌که سال ۱۳۵۰ یعنی وقتی حدود ۲۰ سال داشتم وارد رادیو شدم و اولین نمایش رادیویی خودم را با گویندگی و تقلید صدا در برنامه آذربادگان که به زبان ترکی هم بود، اجرا کردم. این برنامه پرمخاطب روزهای دوشنبه ضبط و جمعه‌ها پخش می‌شد. آن زمان هم می‌خواندم و هم تقلید صدا می‌کردم.

باید عرض کنم از همان ابتدای کارم در رادیو و تلویزیون، تمامی اشعار تیتراژ آغازین، متن نمایشنامه یا تیتراژ پایانی نمایش‌هایی را که در آن حضور داشتم، خودم نوشته‌ام و به جرات می‌توانم بگویم سررشته‌ام در موسیقی بسیار بیشتر از تئاتر است؛ چرا که در موسیقی و خوانندگی با تحقیق و مطالعه جلو رفتم.

بعد در گروه موسیقی استادانی مانند علی سلیمی، دادستان پور و مسگری فعالیتیم را ادامه دادم. تا این‌که سال ۵۶ کار در تلویزیون به من پیشنهاد شد و از آن زمان وارد نمایش‌های تلویزیونی شدم.

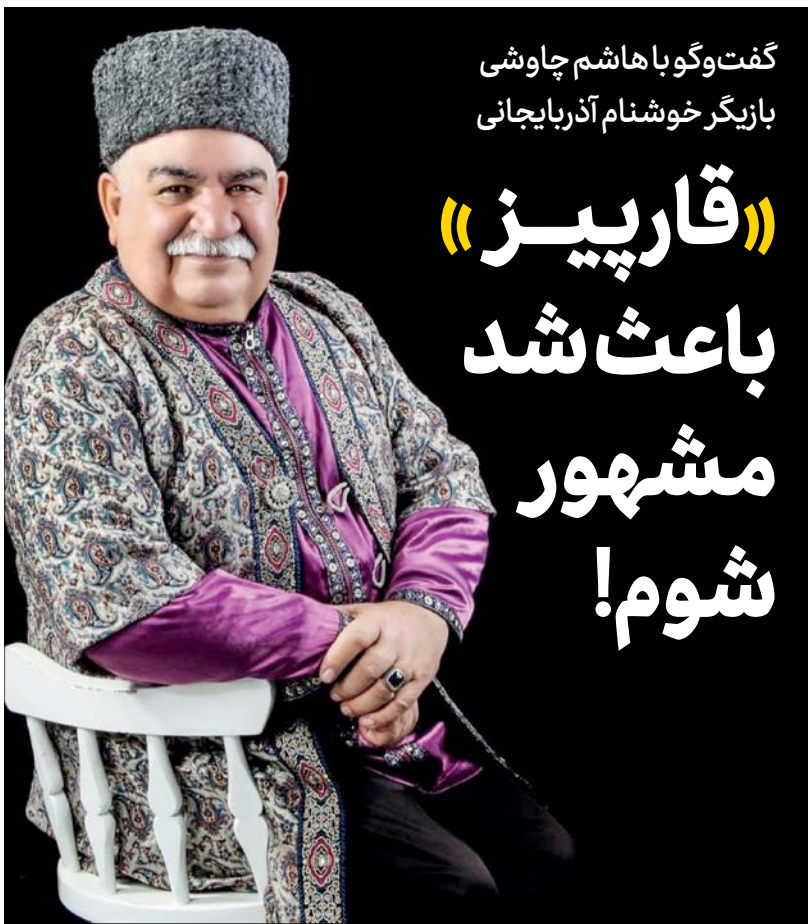
زمانی که وارد سینما شدم و اولین نمایش تلویزیونی را با عنوان مریض و عزرائیل از قطعه‌های استاد کریمی مراغه‌ای اجرا کردم ۲۵ ساله بودم و به دنبال آن در تله‌فیلم‌ها، سریال‌های تلویزیونی و تله‌تئاترهای مختلفی ایفای نقش کردم.

کدام یک از نقش‌هایی را که بازی کرده‌اید بیشتر دوست دارید؟

گفت‌وگو با هاشم چاوشی

بازیگر خوشنام آذربایجانی

«قاریز» باعث شد مشهور شوم!



ببینید هرچند امکان دارد در بعضی از نقش‌هایم ضعیف عمل کرده باشم اما نمی‌توانم بگویم کدام نمایش را بیشتر از بقیه دوست دارم و کدام را رد می‌کنم. هیچ پدری نمی‌تواند بین فرزندان خود تبعیض قائل شود و یکی از فرزندان خود را انکار کند، بازیگر نیز نمی‌تواند نقش یا نمایشی را رد کند. به نظر من بهترین داور کار یک هنرمند، مردم هستند. یعنی هیأت داوران اصلی، مردم‌اند. آنها هستند که در کوچه و خیابان هنگام مواجه شدن با من می‌گویند کدام نمایش یا دیالوگی را عالی کار کردم و کدام یک را ضعیف. شاید باورتان نشود اما بعضی دیالوگ‌ها هست که حتی ۳۵-۳۰ سال پیش گفته‌ام و خودم یادم نیست اما مردم یادشان می‌ماند و دائم به من یادآوری می‌کنند که در فلان نمایش یا فیلم فلان دیالوگ را خیلی خوب گفتم یا ضعیف اجرا کردم.

این راکه چقدر موفق شدیم، باید از مردم پرسید که خدا را شکر در خیلی از مواقع با رفتارها و گفتارهایشان نشان داده‌اند اگر صد درصد هم موفق نبودیم تا حدودی توانسته‌ایم در دل مردم عزیز و دوست‌داشتنی جایی برای خودمان باز کنیم.

به نظر می‌رسد با بازی در نمایش چله قاریزی به شهرت رسیدید.

بله. هرچند تا آن موقع در چند فیلم و نمایش ایفای نقش داشتم، ولی نمایش چله قاریزی و

کسی که استعداد لازم برای حرفه بازیگری نداشته باشد هرچند تحصیلات این هنر را نیز به اتمام رسانده باشد نمی‌تواند در این عرصه موفق شود.

از جوانانی که دوست دارند وارد این حرفه شوند می‌خواهم اول به تحصیل اهمیت داده و آن را به پایان برسانند. بعد شغل ثابت اعم از دولتی و آزاد برای خود دست و پا کنند و بازیگری را آن‌هم در تبریز یا دیگر شهرستان‌ها (غیر از تهران) به عنوان شغل در نظر بگیرند و روی آن حساب مادی باز نکنند، چرا که امکان دارد سال‌ها در انتظار یک پیشنهاد برای بازیگری بمانند و این ظلمی است در حق خود و خانواده. نمونه آن همین دوران کروناست؛ کسانی که فقط بازیگری را حرفه اصلی خود انتخاب کرده‌اند اکنون به خاطر این شرایط بیکارند و نمی‌توانند مخارج زندگی ساده را برای خود و خانواده خود تأمین کنند.

از آثار و فعالیت‌های خود چند مورد را نام ببرید.

هرچند پس از ۳۰ سال کار در صدا و سیما سال ۱۳۸۳ بازنشسته شدم، اما فراغت از خدمات دولتی برای من مفهوم اتمام کار هنری نبود و فعالیتیم را بیشتر از قبل ادامه دادم و علاوه بر شبکه استانی آذربایجان شرقی با دیگر استان‌ها مثل آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان و تهران نیز همکاری کردم و در سریال‌های مختلفی چون ارثیه عمه خانم، دخترم نرگس، آنام، باجنقلار، جلال، آتا، آخر مهلت و... که اکثراً از شبکه‌های سراسری پخش شده‌اند، به ایفای نقش پرداخته‌ام.

از دیگر کارهایی که در آنها نقش ایفا کرده‌ام، می‌توانم به آن‌سوی عشق، انصافلی تاکسی چی، دیش آریسی، حق و رمز، هامبورسونی، ایکی سلطان و... اشاره کنم.

البته در فیلم سینمایی سارای به کارگردانی پدا... صمدی، شوکران پدا... نوعصری و مطرب بازی کردم. در نمایش‌های صحنه‌ای هم می‌توانم به بلبشو، ثبت نام، مدرسه غیرانتفاعی، علی آباد، ارثیه، دیش تاجری و میلیونرل اشاره کنم.

در عرصه بازیگری به چه افتخارهایی نایل شدید؟

در گذشته دیپلم افتخار به عنوان بهترین بازیگر نقش مرد از جشنواره تولیدات صدا و سیما مراکز استان‌ها را کسب کردم.

سال ۱۳۸۶ موفق به دریافت دیپلم افتخار برای بهترین بازیگر مرد از تله‌فیلم (ایکی سلطان) شدم.

سال ۱۳۸۸ دیپلم افتخار برای عنوان بهترین بازیگر مرد از سریال (آتا) شدم.

سال ۱۳۸۸ به عنوان چهره برتر استان تندیس دریافت کردم.

چه درخواستی از مسوولان و متولیان دارید؟

هرچند به دلیل شرایط اقتصادی کنونی کشور بودجه صدا و سیما و اداره ارشاد که متولیان اصلی هنر هستند محدود شده، اما بودجه محدود دلیل بر تعطیلی تولید تئاتر و سینما و سریال و... نیست. مسوولان می‌توانند دیدشان را به قضیه بازتر کرده و با تغییر دیدگاه‌شان به رونق هنر کمک کنند.

سند کمپانی: خودرو: پژو ۲۰۶ مدل: ۱۳۸۳ به رنگ: نقره‌ای به شماره انتظامی: ۶۶۳ ب ۳۱/ایران ۱۳ شماره موتور: FSS14759460 شماره شاسی: 83630898 به مالکیت: نیما نوروزی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی و سند برگ سبز خودرو پژو ۲۰۶ مدل: ۹۰، رنگ سفید، به شماره انتظامی: ۴۵۲ می ۹۴-ایران ۴۶، شماره موتور: 14190009973 و شماره شاسی: NAAP03ED58J504854 به نام صدف صالحی چوکامی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند برگ سبز و کارت خودرو حاج یک کوئیک MT مدل: ۹۸، رنگ سفید، به شماره انتظامی: ۹۴۸ م ۷۷-ایران ۴۶، شماره موتور: M15/8849504 و شماره شاسی: NAS841100K1030167 به نام مسعود نورزاد عثمان‌وندانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است

سند کمپانی: برگ سبز و بیمه نامه خودرو، سواری هاجیک سایپا تیپ ۲ مدل: ۱۳۹۸، به رنگ: نوک‌مدادی متالیک به شماره انتظامی: ۲۹۶ ط ۶۱ ایران ۶۷ شماره موتور: M15/8824522 شماره شاسی: NAS821100K1235499 به مالکیت: لیللا احمدی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.